

نقش امام حسن (علیه السلام) در عصر علوی

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

امام حسن مجتبی (علیه السلام) در طول 37 سالی که در کنار امیرمؤمنان (علیه السلام) زندگی کرد، فرزندی مطیع، امام شناس، بازوی نیرومند، یار صدیق و امین و باتجربه و سربازی عاشق و فداکار برای پدرش به حساب می آمد. در همان دوران کودکی، شخصیت بزرگ امام حسن (علیه السلام) برای آن حضرت آشکار و نمایان بود. این نوشتار درصدد است تا شخصیت امام حسن (علیه السلام) را در ابعاد گوناگون از دیدگاه امیرمؤمنان (علیه السلام) ترسیم و تبیین کند. آن حضرت، اوصاف امام حسن (علیه السلام) را گاهی به کنایه، گاهی، به صورت تصریح و در بعضی اوقات با حرکات بیان می داشت.

شخصیت علمی :

امیرمؤمنان در «رَحْبَه» (1) به سر می برد که مردی به حضورش آمد اظهار ارادت کرد و گفت: من از ارادتمندان کشور اسلامی شما هستم. حضرت فرمود:

«تو از رعیت ما نیستی. برای پادشاه کشور روم سؤالاتی پیش آمده و او پیکش را نزد معاویه در شام فرستاده است و الآن آنجاست، لیکن او در جواب عاجز مانده و تو را برای حل مشکلات خود نزد ما فرستاده است.»

آن مرد اظهار داشت سخن شما درست است. امیرمؤمنان فرمود: پرسش هایت را با یکی از دو فرزندم (حسن و حسین) در میان بگذار. گفت: از فرزندت حسن می پرسم. امام مجتبی (علیه السلام) رو به مرد کرد و فرمود: آمده ای تا بپرسی: فاصله بین حق و باطل، بین آسمان و زمین و بین مشرق و مغرب چقدر است. (و سؤالات دیگری که درصدد ذکر تمام آنها نیستیم).

امام در جواب چنین فرمود: فاصله بین حق و باطل چهار انگشت است: آنچه به چشم دیدی، حق است و هر چه را با گوش شنیدی، آن را در آغاز باطل بدان. فاصله بین آسمان و زمین به اندازه درخواست یک ستمدیده و یک چشم به هم زدن است و هر کس غیر این گوید، دروغ است. فاصله بین مشرق و مغرب، به اندازه حرکت یک روز خورشید است. صبحگاهان از مشرق طلوع و شامگاهان غروب می کند. (2)

قضاوت :

امام علی (علیه السلام) در برخی از رویداد ها از امام حسن (علیه السلام) می خواست که قضاوت کند. روزی مردی را به محضر امیرمؤمنان (علیه السلام) آوردند که چاقویی در دست داشت و او را در خرابه ای کنار کشته ای یافته بودند و او را قاتل معرفی می کردند. ولی قاتل واقعی خودش را معرفی و اقرار به کشتن آن شخص کرد. امام علی (علیه السلام) قضاوت را به عهده امام حسن (علیه السلام) می گذارد و حضرت چنین قضاوت می کند که قاتل واقعی با اقرار و صداقتش جان متهم را نجات داد و با این کار گویی بشریت را نجات داده است و خداوند متعال فرموده: **(وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا)** (3)؛ «هر کس انسانی را از مرگ نجات دهد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است». بنابراین آن دو را آزاد سازید و دیه مقتول را از بیت المال پرداخت کنید. (4)

اینکه امیرمؤمنان (علیه السلام) جواب سؤال و قضاوت را بر عهده فرزندش گذاشت، دلیل بر شخصیت والای علمی امام مجتبی (علیه السلام) است.

فصاحت و بلاغت :

حضرت مجتبی (علیه السلام) در فصاحت و بلاغت و نظم و نثر بزرگ ترین شاگرد مکتب پدر بزرگوارش بود. بیش از بیست خطبه، چندین نامه، چند احتجاج و اشعاری از آن حضرت باقی مانده است که نمونه بارز قدرت فصاحت و بلاغت امام را نشان می دهد.

امام حسن (علیه السلام) در زمان امیرمؤمنان حرمت پدر بزرگوارش را نگه می داشت و در حضور او سخن کم می گفت. بعضی از اهل کوفه، به خدمت آن حضرت آمدند و عرض کردند که امام حسن (علیه السلام) در سخن گفتن عاجز است. گویا بیان ندارد. حضرت فرزند خود را طلبید و گفتار مردم کوفه را به او رسانید و فرمود: بر منبر برو و فضل خود را برای آنان آشکار ساز. امام حسن (علیه السلام) عرض کرد: یا امیرمؤمنان! در حضور شما من یارای سخن گفتن ندارم.

حضرت فرمود: ای فرزند من! خود را از تو پنهان می دارم. پس امر کرد که مردم را ندا کنند تا در مسجد کوفه جمع شوند. چون مردم آمدند و جمعیت انبوه شد، حضرت مجتبی بر منبر رفت و خطبه ای در نهایت فصاحت و بلاغت خواند و مردم را موعظه فرمود، که خروش از اهل مسجد بر آمد. سپس حضرت امیر (علیه السلام) که در گوشه ای از مسجد نشسته بود، برخاست و در حالی که ردای مبارک خود را می کشید، بالای منبر بر آمد و میان دو دیده سبط اکبر را بوسید و فرمود:

«یابن رسول الله أتممت الحجة علی القوم و أوجبت طاعتک علیهم فویل لمن خالفک؛ ای پسر پیامبر! حجت خود را بر این قوم تمام کردی و طاعت خودت را بر آنان واجب ساختی. پس وای بر کسی که تو را در امامت و طاعت مخالفت کند.» (5)

تصریح بر امامت حضرت مجتبی (علیه السلام) :

امیرمؤمنان در آخرین روزهای عمر خود، وصیتی به فرزندش امام مجتبی (علیه السلام) کرد و در آن هنگام، امام حسین (علیه السلام) و محمد و همه فرزندان و بزرگان شیعه و اهل بیت خود را بر آن گواه گرفت. سپس کتاب و سلاح مخصوص خویش را به او داد و فرمود:

«فرزندم حسن! رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به من فرمان داد تا تو را وصی خود قرار دهم و کتاب ها (نوشته ها) و سلاح خویش را به تو دهم؛ همان طور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آنها را به من سپرد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمان داد که بر تو فرمان دهم که هرگاه مرگت فرارسید، آن کتاب و سلاح را به برادرت حسین بسپار.»

آن گاه فرمود:

«فرزندم! تو ولی امر و نیز ولایت و اختیار قصاص خون من را در دست داری. چنانچه خواستی، عفو کن و اگر تصمیم به قصاص گرفتی، در برابر یک ضربت، یک ضربت باشد و از این مقدار تجاوز مکن.» (6)

در اینجا امیرمؤمنان (علیه السلام) تصریح می فرماید که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به او وصیت کرد تا امام حسن (علیه السلام) را وصی خود قرار دهد که این خود نشانه ای بر منصوب بودن امامت حضرت مجتبی (علیه السلام) است.

شهامت و حماسه آفرینی :

در جنگ صفین امیر مؤمنان مشاهده فرمود که فرزندش امام حسن (علیه السلام) شتابان به جنگ با دشمن می رود. خطاب به یارانش فرمود:

«این جوان را محکم بگیرید تا (کشته شدن) او مرا درهم نشکند؛ زیرا که من در از دست دادن این دو شخص (حسن و حسین)، بخل می ورزم تا مبادا نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قطع شود». (7)

این کلام امام، فصیح ترین سخن است؛ به دلیل آنکه فرزند سودمند به انسان سخت نیرو می بخشد، به ویژه فرزندی مانند حضرت مجتبی (علیه السلام). همچنین امام با جمله «لایهدنی» شدت ناتوانی و ضعف روحی را با از دست دادن چنین فرزندی به طور کنایه بیان می کند. (8) امام علی (علیه السلام) در این فراز از خطبه اولاً به صورت کنایه شجاعت و شهامت فرزند عزیزش امام حسن (علیه السلام) را برای مردم روشن می کند. ثانیاً، آن حضرت می خواهد به مردم بفهماند که باید از این شخصیت بزرگ حفاظت کرد.

امام حسن (علیه السلام) در جنگ جمل در رکاب پدر خود در خط مقدم جبهه می جنگید و از یاران دلاور و شجاع علی (علیه السلام) سبقت می گرفت و بر قلب سپاه دشمن حملات سختی می کرد. (9) پیش از شروع جنگ نیز به دستور پدر، همراه عمار یاسر و چند تن دیگر، وارد کوفه شد و مردم را برای شرکت در این جهاد دعوت کرد. (10) او وقتی وارد کوفه شد که هنوز ابوموسی اشعری، یکی از مهره های حکومت عثمان، بر سرکار بود و با حکومت عادلانه امیرمؤمنان مخالفت می کرد. با این حال حسن بن علی (علیه السلام) توانست به رغم کارشکنی های ابوموسی و همدستانش، بیش از نه هزار نفر از مردم شهر کوفه را به میدان جنگ گسیل دارد. (11)

امیرمؤمنان برای بسیج مردم کوفه برای جنگ، باید فردی شجاع و نترس را به سوی آنها می فرستاد تا در برابر مخالفت ها و دشمنی های کسانی همچون ابوموسی سر فرود نیاورد و چه کسی بهتر از امام حسن مجتبی (علیه السلام) این خود نشانه شجاعت حضرت در نزد پدر است.

وصی نخستین امیرمؤمنان :

آن حضرت وصیت فرمود:

«وإنه یقوم بذلک الحسن بن علی یأکل منه بالمعروف و ینفق بالمعروف؛ (12) برای اجرای این وصیت و حفظ

مال، حسن بن علی (علیه السلام) اقدام ورزد و آن گونه که رواست، از آن مال بهره ببرد و بدون اسراف، احسان و انفاق نماید». (13)

از این کلام در می یابیم که امام علی (علیه السلام) اطمینان کامل به فرزند برومندش داشت؛ زیرا امام حسن (علیه السلام) را اولین وصی خود قرار می دهد. روشن است که هر کسی شایستگی وصایت را ندارد و باید کسی وصی باشد که به اقدامات او اطمینان وجود داشته باشد. (14)

پیک ویژه امام علی (علیه السلام) :

انحراف و کج روی های آشکار کارگزاران عثمان، عرصه را بر تمام مسلمانان آگاه و بیدار به ویژه صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تنگ کرده بود؛ به طوری که بسیاری از مردم به حضور علی (علیه السلام) می رسیدند و از کارهای عثمان شکایت می کردند. حضرت امیر (علیه السلام) فرزندش حسن را نزد عثمان می فرستاد تا شکایت مردم را به او گوشزد کند. این موضوع بسیار تکرار شد؛ تا اینکه روزی عثمان به امام حسن (علیه السلام) گفت: پدرت گمان می کند که احدی آگاهی ندارد، ولی ما به آنچه انجام می دهیم، آگاه هستیم. بنابراین به ما کاری نداشته باشد. پس از این گفتگو، حضرت امیر (علیه السلام)، فرزندش امام حسن (علیه السلام) را نزد عثمان نفرستاد. (15)

پاسخ به سؤالات مذهبی مردم :

بارها حضرت علی (علیه السلام) پاسخ به پرسش ها را به امام حسن (علیه السلام) ارجاع می داد. گاهی مردم پس از دریافت پاسخ، همان سؤال را از امام علی (علیه السلام) کردند که حضرت همان پاسخ را به آنها می داد. در دوران خلافت ابوبکر شخصی نزد او آمد و گفت من در حال احرام حج به تخم شترمرغی دست یافتم و آن را خوردم. چه کفاره ای بر من واجب است؟ ابوبکر نتوانست به او جواب دهد و او را به عبدالرحمن بن عوف راهنمایی کرد. عبدالرحمن بن عوف نیز از جواب آن درماند و به مرد گفت که نزد علی (علیه السلام) برو. مرد همین کار را انجام داد. حضرت (علیه السلام) به حسنین 8 اشاره کرد و فرمود مسئله خود را از هر کدام می خواهی، بپرس. اعرابی سؤال خود را بیان کرد و امام حسن (علیه السلام) در محضر پدر، به او جواب داد. (16)

خواندن دعای باران :

گروهی نزد امیرمؤمنان (علیه السلام) آمدند و از کمبود باران شکایت کردند. آن حضرت فرزند خود امام حسن (علیه السلام) را فراخواند و به وی فرمود: خدا را برای طلب باران بخوان. امام حسن (علیه السلام) به دنبال فرمان پدر دست به دعا برداشت و فرمود:

«اللهم هَيِّجْ لَنَا السَّحَابَ بَفَتْحِ الْأَبْوَابِ بِمَاءِ عِبَابٍ؛ خدایا! ابرها را به حرکت درآور و با بازکردن درهای آسمان، باران

فراوانی بر ما بفرست».

سپس امام (علیه السلام) دعای باران را قرائت فرمود. بعد امام حسین (علیه السلام) این دعا را خواند. هنوز دعا تمام نشده بود که باران شروع به باریدن کرد. (17)

امامت جمعه :

هر گاه عذری مانند بیماری برای امیرمؤمنان (علیه السلام) پیش می آمد و نمی توانست اقامه نماز جمعه کند، فرزندش حسن (علیه السلام) را به این امر مهم می گمارد. امام حسن (علیه السلام) در یکی از خطبه های نماز جمعه چنین فرمود:

«همانا خداوند سبحان مبعوث نکرد پیامبری را مگر اینکه بعد از او جانشینی و یا گروه و یا خاندانی را تعیین کرد. پس قسم به آن کس که محمد(صلی الله علیه و آله) را به پیامبری برگزید، هیچ کس در حق ما اهل بیت کوتاهی نخواهد کرد، مگر اینکه خداوند سبحان اعمال او را ناقص خواهد گذاشت و هیچ دولتی برضد ما حاکمیت پیدا نخواهد کرد، مگر آنکه عاقبت از آن ما خواهد شد و متجاوزان به حق ما پس از چند صباحی، سزای عمل خود را خواهند دید و به مکافات آن خواهند رسید».(18)

سرپرستی موقوفات و صدقات :

امام علی (علیه السلام) در اواخر عمر خویش طی حکمی همه موقوفات خویش را به امام حسن (علیه السلام) واگذار کرد. مضمون این وصیت می رساند که این حکم مربوط به تصدی اموال شخصی حضرت امیر (علیه السلام) نبود، بلکه درباره بیت المال است که باید برای حفظ امامت و زعامت اهل بیت به دست کسی سپرده شود و حقوق و صدقات به اهلش برسد. در واقع منصب سرپرستی موقوفات و صدقات، یکی از مسئولیت ها و شئون امامت است که امام علی (علیه السلام) آن را به امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) اختصاص می دهد. اگر غیر از این باشد، در نامه 24 که آمده: «ابتغاء وجه الله» (19)، معنا ندارد. در ضمن این نامه در صدد نصب مدیر امور مالی مطمئن و دقیق برای حفظ و حراست بیت المال مسلمانان است؛ گر چه در میان صدقات مقداری از دسترنج های آنان نیز دیده می شود. (20)

برخی فضایل امام حسن (علیه السلام) :

در حدیثی آمده است:

«وَمِمَّا سَيَدَا شَبَابُ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مِنْكُمْ صَبِيَّةُ النَّارِ؛ (21) دو سرور جوانان اهل بهشت، از ما هستند (منظور امام حسن و امام حسین (علیه السلام) است) و کودکان (اهل) آتش از شمايند».

بعضی می گویند مقصود از کودکان آتش، فرزندان عقبه بن ابی محیط است که پیامبر به او فرمود سرانجام برای تو و آنان آتش است و برخی گویند منظور فرزندان مروان بن حکم است که هنگام بلوغشان، جهنمی شدند. (22) علی (علیه السلام) در جایی دیگر می فرماید:

«كَانَ الْحَسَنُ أَشْبَهَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) مَا بَيْنَ الصَّدْرِ إِلَى الرَّأْسِ وَ الْحُسَيْنُ أَشْبَهَ فِيمَا كَانَ أَسْفَلَ مِنْ ذَلِكَ؛ (23) حسن از سینه تا سر، و حسین از سینه به پایین، شبیه رسول خدا هستند».

منظور امام این است که هر چه از ویژگی های علمی، اخلاقی و حکومتی رسول خدا را بخواهید، همه اش در وجود بافضیلت امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) خلاصه شده است.

حذیفه گوید: روزی صحابه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در نزدیکی کوه حرا گرد پیامبر جمع شده بودند که حسن در خردسالی با وقار خاصی به جمع آنان پیوست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) پس از نگاه طولانی بر او، همه را مخاطب قرار داد و فرمود:

«آگاه باشید که همانا او (حسن) بعد از من راهنما و هدایتگر شما خواهد بود. او تحفه ای است از خداوند جهان برای من. او از من خبر خواهد داد و مردم را با آثار باقی مانده از من آشنا خواهد ساخت. سنت مرا زنده خواهد نمود و کردارش نمایانگر کارهای من است. خداوند عنایت و رحمتش را بر او فرو فرستد. رحمت و رضوان خداوند بر کسی باد که حق او را بشناسد و به خاطر من به او احترام و نیکی کند».(24)

پی نوشت ها :

- 1 . محله ای در کوفه که به مقدار 48 کیلومتر از شهر کوفه به طرف غربی قبله فاصله دارد.
- 2 . حقایق پنهان، احمد زمانی، چاپ 1375، ص87؛ مسند الامام المجتبی (علیه السلام)، شیخ عزیزالله عطاردی، ص102، به نقل از مناقب، ج2، ص152.
- 3 . مائده / 32.
- 4 . مناقب آل ابی طالب، ج4، چاپ قم، ص11؛ حقایق پنهان، ص155؛ فروع کافی، ج7، ص289، ح2؛ مسند الإمام المجتبی، ص99، به نقل از مناقب، ج2، ص152.
- 5 . فضائل امام حسن (علیه السلام)، سید محمد تقی مقدم، چاپ 1377، ص121؛ مسند الإمام المجتبی (علیه السلام)، ص96؛ مجموعه زندگانی معصومین، ص536؛ زندگانی حضرت مجتبی (علیه السلام)، عمادزاده اصفهانی، چاپ 1347، ص361.
- 6 . کافی، ج1، ص218، ح5؛ بحارالانوار، ج4، 322، ح1؛ اضواء علی عقائد الشیعة الامامیه و تاریخهم، جعفر سبحانی، چاپ 1379، ص144؛ حقایق پنهان، احمد زمانی، ص171؛ بر امیرمؤمنان چه گذشت؛ محمد حسن

- موسوی کاشانی، چاپ 1379، ص274؛ مسند الامام المجتبی(علیه السلام)، چاپ 1373، ص36؛ ناسخ التواریخ، حضرت امام حسن(علیه السلام)، ج1، چاپ 1363، ص175.
7. شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم محمدی مقدم، ج4، خ198، ص25؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج11، ص25، خ200؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوائی، چاپ 1380، ص93؛ زندگانی امام حسن مجتبی(علیه السلام)، سید هاشم رسولی محلاتی، ص99؛ حقایق پنهان، ص49.
8. شرح نهج البلاغه ابن میثم، ج4، ص25، خ198.
9. حقایق پنهان، ص147؛ سیره پیشوایان، ص94.
10. در آستان اهل بیت: و امام حسین(علیه السلام)، علامه سید محسن امینی، ص40؛ العقد الفرید، ج4، ص288.
11. فلسفه صلح امام حسن(علیه السلام)، محمد مقیمی، ص239.
12. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه 24، ص502، به نقل از طبقات کبیر، ج3، قسمت اول، ص20.
13. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ترجمه محمد دشتی.
14. شرح نهج البلاغه، زمانی، ج3، ص207.
15. العقد الفرید، ج4، ص289؛ علی(علیه السلام) و زمامداران، علی محمد میرجدیدی، ص231.
16. مسند الامام المجتبی(علیه السلام)، ص98؛ مجله کوثر، به نقل از فروع کافی، ج7، ص203؛ تحف العقول با ترجمه، ص231.
17. موسوعة کلمات الإمام الحسن(علیه السلام)، پژوهشکده باقر العلوم(علیه السلام)، ص360؛ قرب الاسناد، ص73؛ بحارالانوار، ج88، ص320، ح9؛ مستدرک الوسائل، ج6، ص195.
18. مروج الذهب، ج3، ص9؛ زندگانی حضرت مجتبی(علیه السلام)، عمادزاده اصفهانی، ص222.
19. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه 24، ص502؛ شرح ابن ابی الحدید، ج25، ص148؛ بر آستان اهل بیت، علامه عاملی، ص44؛ مجله کوثر، ش39، به نقل از نهج البلاغه ترجمه فیض الاسلام، ص867؛ زندگانی حضرت مجتبی(علیه السلام)، عمادزاده اصفهانی، ص338، به نقل از اعیان الشیعه، ج4، ص101.
20. شرح ابن ابی الحدید، ج15، ص146؛ حقایق پنهان، ص128؛ کافی، ج7، ص51؛ تحف العقول، ص197.
21. نهج البلاغه، محمد دشتی، نامه 28، ص512 و 513.
22. شرح ابن ابی الحدید، ج15، ص197؛ شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم محمدی مقدم، ج4، ص76.
23. بحارالانوار، ج43، ص301، ح64.24. بحارالانوار، ج43، ص333، ح5؛ مجله کوثر، ویژه نامه امام حسن(علیه السلام)، ش55.